مصاحبه

در محضر حضرت آیت الله العظمی علوی گرگانی (دامت برکاته)

آیت الله العظمی علوی گرگانی در ۱۴ جمادی الثانی سال ۱۳۵۹ ق (۲۹ خرداد ۱۳۱۸ش) در نجف اشرف در بیت علم و فضیلت و تقوا چشم به جهان گشود.

وی در سن هفت سالگی (۱۳۶۵ ق)، همراه پدر بزرگوارش (آیت‌الله حاج سید سجّاد علوی«ره») از نجف اشرف به ایران آمد و در نزد ایشان به فراگیری علم و دانش پرداخت و هنوز بیست سال از عمرش سپری نشده بود که «سطح» را در نزد اساتید آن دوران در قم گذراند و در سال ۱۳۷۸ ق در حلقه درس آیت‌الله العظمی بروجردی(ره) حاضر و سه سال از خرمن فیض آن فقیه سترگ توشه برگرفت سپس در درسهای فقه و اصول اساتید برجسته حوزه (حضرات آیات امام خمینی«ره»، محقق داماد«ره»، گلپایگانی«ره»، شاهرودی«ره»، حائری یزدی«ره»، اراکی«ره») شرکت جست.

معظم له از همان اوان تحصیل به تدریس نیز پرداخته و هم اکنون نیز به تدریس خارج فقه و اصول در حوزهٔ علمیه قم مشغول می‌باشد.

از جمله تألیفات معظم له عبارتند از:

توضیح المسائل، شرح شرایع الاسلام، لئالی الاصول، نور البیان فی تفسیر القرآن، طبقات الرجال، القواعد الفقهیه، تقریرات درس اصول حضرت امام خمینی(ره) و....

سخنان حجت‌الاسلام والمسلمین پورسیدآقایی سردبیر فصلنامهٔ انتظار:

بسم الله الرحمن الرحیم و صلی الله علی سیدنا محمد و آله الطاهرین لاسیّما بقیّة الله فی الارضین اللّهم کن لولیک الحجة ابن الحسن....

از این که ما را به حضور پذیرفتید، بسیار سپاسگزاریم و امیدواریم که در این فرصت محدود از تذکرات و بیانات ارزندهٔ حضرت عالی بهره‌مند شویم اجازه می خواهم در ابتدا به معرفی مرکز تخصصی مهدویت بپردازم. اجمالاً عرض کنم که مرکز تخصصی مهدویت وابسته به بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج) می باشد و این بنیاد با مسؤلیت حجت‌الاسلام والمسلمین قرائتی و برخی دیگر از شخصیت‌های علمی، فرهنگی تشکیل شده و با عنایات مقام معظم رهبری چند سالی است که به کار خود ادامه می دهد.

شعبهٔ قم شعبه‌ای است که عهده دار تربیت نیرو و مباحث آموزشی، پژوهشی آن مجموعه است و این حقیر هم این توفیق را دارم که خادم یاوران و سربازان حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف باشم.

دروس تخصصی این مرکز شامل مباحث اعتقادی، تاریخی، حدیث‌شناسی، منبع شناسی، ادعیهٔ مربوط به حضرت، شناسائی فرقه‌های انحرافی، پاسخ به شبهات و سؤالات و برخی دیگر از دروس می باشد. این دوره‌ای که الان ما در خدمت این آقایان هستیم و توفیق خادم بودن این ها را داریم دوره‌ای است تحت عنوان تربیت مدرّس. آقایان می باید دیگر تخصصی های سطح چهار حوزه و یا شش سال درس خارج را به اتمام رسانده باشند و پس از امتحان و مصاحبه‌های علمی مورد پذیرش قرار می گیرند.

پذیرفته شدگان باید یک دورهٔ سه سالهٔ آموزشی، پژوهشی را بگذرانند و از آن طرف هم مدت حداقل یک سال را باید برای پایان‌نامه بگذرانند.

این عزیزان وقتی که کارشان تمام بشود عهده دار تدریس و تبلیغ و پژوهش در امر خطیر مهدویت در سطح داخلی و خارجی می شوند، الان ما شعبه‌ای در اصفهان تأسیس کردیم. یک شعبه‌ای هم در مشهد در ابتدای سال تحصیلی جدید ان شاءالله تأسیس می شود و مقدماتش فراهم شده شعبه‌ای در مازندران، در شیراز، در تهران مشغول به رایزنی و گفت و گو هستیم که ان شاءالله تأسیس بشود.

این شعبه‌ها کمبود اساتیدشان را از مرکز قم تأمین می کنند. باید اعتراف کرد که در این مباحث جای تحقیق و پژوهش بسیار خالی است. آن چه که هست متأسفانه بیشتر تکیه بر خواب‌ها و یا تشرفاتی است که برخی از آن‌ها معلوم نیست تا چه اندازه از صحت و سقم برخوردار باشند شاید بیشتر منبرها را هم همین گونه بحث‌ها تحت الشعاع قرار داده است، در حالی که ما در این قسمت مباحث بسیار اساسی داریم و جای آن است که مورد بررسی و پژوهش قرار بگیرد.

الحمدلله چندی پیش مرکز مدیریت حوزهٔ علمیهٔ قم مرکز تخصصی مهدویت را که حدود یکصد نفر از مهدی پژوهان در این مجموعه مشغول به تحصیل هستندبه عنوان یکی از مراکز تخصصی به تصویب رساند که تا بتواند هم اکنون در سطح سه و ان‌شاءالله بعدها در سطح چهار به جذب دانش‌پژوه بپردازد. مباحث امامت عامه با ادلهٔ عقلی و نقلی و به صورت مُفصل، مباحث مهدویت (یا امامت خاصّه) بصورت گسترده و عمیق زیر نظر اساتید مجرب و ورزیده برگزار می شود از جمله برنامه‌های این مرکز و دانش پژوهان آن این است که خدمت مراجع بزرگوار می رسیم و از نظرات و رهنمودهای آنها استفاده می کنیم و خداوند توفیقی به ما داد که خدمت حضرت عالی برسیم.

امیدواریم که از نظرات و رهنمودهای شما استفاده بکنیم. در پایان این نکته را هم بیان کنم که این مرکز تخصصی از مباحث تبلیغی و هنری هم غافل نیست. برخی آقایان برای تبلیغ به تهران و یا بعضی از مراکز دانشگاهی و یا شهرها و شهرستانها اعزام می شوند. و برای صدا و سیما برنامه‌های متعددی تهیه شده است، فعالیت‌های مفیدی جهت ساختن داستان‌ها و یا تهیهٔ ویژه برنامه‌ها صورت گرفته است. حدود یکصد نفر از مهدی پژوهان در این مجموعه مشغول به تحصیل هستند همچنین مجله‌ای داریم بنام فصلنامهٔ انتظار، که خدمت حضرت عالی تقدیم شده و هم اکنون نُه شماره‌اش به چاپ رسیده است و شمارهٔ دهم در راه است. بیش از این مصدّع اوقات شریف حضرت عالی نمی شوم از این هم که تفصیل دادم عذر خواهی می کنم. با ذکر صلواتی به استقبال بیانات حضرت آیت الله علوی گرگانی میرویم.

سخنان حضرت آیت‌اللّه العظمی علوی گرگانی (دامت برکاته):

بسم الله الرحمن الرحیم الحمدلله رب العالمین و الصلاة و السّلام علی رسول اللّه و علی آله آل اللّه لا سیّما بقیّة‌اللّه فی الارضین حجة‌اللّه علی العالَمین و لعنةَ اللّه علی اعدائِهِم و منکری فضائلهم و مناقِبهم اجمعین من الان الی قیام یوم الدّین. قال عزّ من قائل و جلّ من متکلّم فی القرآنِ العظیم اعوذ باللّه من الشّیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم و لقد وصلنا لهم القول لعلهم یتذکرون.[1]

حقیر ضمن تشکر و سپاسگزاری از همهٔ عزیزان که اظهار لطف فرمودند، و حقیر را مورد عنایت خودشان

قرار دادند و مخصوصاً که گروه شما مزیّن به عنوان مهدویت و نام نامی آن بزرگوار هستید، در نتیجه خیلی عزیز و محترمید ان شاءالله که ما بتوانیم شرایط ظهورش را به جا آوریم. و شما باید قدر خودتان را خیلی بدانید؛ چرا که این کار، کار بسیار خوب، پراهمیّت و ثمربخشی است.

به نظر حقیر می‌توان گفت در این روزگار جامعهٔ تشیع فقر فوق العاده‌ای در این مورد دارد. و حضرت بقیّة الله امام زمان(ع) مظلوم‌ترین فردی است که بر روی کرهٔ زمین زندگی می‌کند. و حضرت خیلی مظلوم است. بنده اسم نمی‌برم بعضی از بزرگان را که گاهی با هم تماس‌هایی داریم می‌گویند که انسان باید در نیمه شب برخیزد و بر غربت و مظلومیت آقا گریه کند.

● ایران کشور ماست، این مملکت من است و بدانید که ایران صاحب دارد.

آقا در غربت عجیبی به سر می‌برد. این مملکت متعلق به آقاست، آقا نسبت به مملکت ما عنایت دارد، در زمانی که به این کشور عثمانیها حمله کرده بودند و این کشور را داشتند از بین می‌بردند، یکی از بزرگان رفته بود در مسجد سهله گریه و زاری می‌کرد و متوسل به آقا شده بود که آقاجان در چنین وضعی شیعه‌ها کشته می‌شوند. و حضرت به آن بزرگوار فرمود: چرا آن قدر ناله می‌کنید؟ تو خیال می‌کنی که دشمنان می‌توانند ایران را از بین ببرند؛ ایران کشور ماست، این مملکت من است و بدانید که ایران صاحب دارد.

قربانشان بشوم این واقعیت است، امّا آدم دلش از این می‌سوزد که کسی در خانه خودش غریب باشد.

بعضی مقاله‌ها را بنده مطالعه می‌کنم بعضی سخنان عزیزان را، خیلی متعجب می‌شوم. می‌بینم یک سلسله مطالبی را می‌گویند دربارهٔ شخصیت آقا [که عجیب است] این‌ها می‌خواهند آقا را مثل این که از آن حالت بیرون بیاورند. بله، می‌گویند این‌ها چیزهای قدیمی شده است باید یک چیز نویی در بازار عرضه شود، یعنی چه؟ چه حرفهایی است؟ من نمی‌خواهم حالا بیشتر [موضوع را بشکافم] به قول آقایان درد گفتن هنر نیست، هنر در درمان است.

حضرت رسول صلوات الله و سلامه علیه فرمود:

«الا اخبرکم بدائکم من دوائکم؟ قلنا: بَلی یا رَسول اللّه»؛

نمی‌خواهید درد و دواتان را به شما بگویم؟ عرض کردند چرا یا رسول الله بفرمایید، فرمود:

«دائکم الذنوب و دَوائکم الاستغفار»[2]؛

گناهانتان مرض است و باید با استغفار درمان کرد.

مرحوم فیض رحمةالله علیه می‌فرماید:

«اِسْتِغْفارُ کُلُّ شَیءٍ بِحَسَبه»؛

استغفار در هر جا معنای خودش را می‌دهد.

این جور نیست که آدم همه جا بنشیند تسبیح دست بگیرد و [بگوید] استغفرالله. بلکه، توبه هر جا به یک صورتی است توبهٔ در اموال یک جور است، توبه در کارهای دیگر طور دیگر است. به هر تقدیر نمی‌خواهم وقت شریفتان را بگیرم ولی من دربارهٔ شخصیت آن بزرگوار و این که تا چه اندازه ما موظفیم به شخصیت این بزرگوار، آشنایی پیدا کنیم صحبت می‌کنم. این آیه‌ای که در ابتدای سخن تلاوت کردم آیهٔ بسیار تکان دهنده‌ای است. الحمدلله همهٔ شما اهل کمالید شاید من اینجا صحبت‌هایم یک خورده فُضولی به پیشگاه مقدستان باشد. این آیه را در سوره مبارکه قصص دقت کردید. خیلی آیهٔ عجیب و تندی است. یکی از بزرگان می‌گفت که این آیه مدرک و مستمسک عقیدهٔ صحیح و صریح شیعه هست. آیه

این است

﴿بسم الله الرحمن الرحیم و لقد وصلنا لهم القول﴾[3]

ما وظیفهٔ خود را تمام کردیم آن چه بنا بود گفته بشود رساندیم.

پیغمبر خدا فرمود:

«اللّهم انّی قد بلّغت»؛

حضرت گریه افتاد بالای منبر فرمود خدایا تو شاهد باش آنچه که وظیفه بود رساندم خدای عزوجل هم می‌گوید

«من آنچه که وسیله بود برای شما رساندم»

﴿و لقد وصّلنا لهم القول لعلهم یتذکّرون﴾

ولی ای کاش که ما تذکر پیدا می‌کردیم. امروز یکی از چیزهایی که واقعاً خدا به ما لطف کرد ولی ما کم‌تر به آن توجه می‌کنیم این که در مملکتی زندگی می‌کنیم که مملکت امام زمان(عج) و شیعه است.

خوشبخت شدم وقتی شنیدم این مرکز تخصصی مهدویت تأسیس شده. گفتم: خدا را شکر شاید این کار شما، زحمت‌های شما، خدمات شما یک خورده بتواند گرد و غبار غربت و مظلومیت را از چهرهٔ مبارک امام زمان(ع) بزداید اقلاً آقا احساس کند که در مملکت خودش غریب نیست و الحمدلله رب العالمین این گونه نیست که دشمنان بنشیند و بگویند میدان خالی شده و ما هر چه بگوییم کسی نیست جواب ما را بدهد.

و لذا بنده خیلی خوشبختم و خوشحالم از این که به حمدلله چنین گروهی تشکیل شده. دست شماها درد نکند. دست آن مؤسس اوّلیه مخصوصاً با توجه به این که مقام معظم رهبری هم به حمدلله به این طرح عنایت دارند. خدا را شکر که ایشان آگاهند به این مسایل. مسلماً اشراف دارند و می‌دانند که چه می‌گذرد در این کشور، در این مملکت و ان شاء الله پنجه‌های علمی شما بتواند گلوی دشمن را چنان بفشارد که دیگر آن‌ها نتوانند حرف‌های آنچنانی بزنند. همین طوری که حاج آقا آقایی اشاره فرمود حرکت در این سو نیازمند به بار علمی است. باید بار علمیتان قوی باشد، باید بار استدلالیتان قوی باشد اگر از شما بپرسند چرا ما نیاز به امام زمان(ع) داریم، برای چه؟ چه جوابی باید داده بشود؟ جواب استدلالی بدهید؛ یعنی طرف در مقابل شما عاجز بماند. این خیلی مهم است. چرا حضرت صادق(ع) می‌فرماید (**لو بقیت الارض بغیر امام لساخت**)[4]، برای چه، این چه لزومی دارد؟ وقتی که برهان دستان باشد طرف که در مقابل برهان شما قرار می‌گیرد، نتواند جواب بدهد. این خیلی مهم است. این آثار قلم تان [فصلنامهٔ انتظار] را هم مطالعه کردم. دستتان درد نکند، زحمت کشیدید، خیلی خیلی خوب بود. الحمدلله رب العالمین امیدوارم بیشتر ازاین‌ها بتوانید استفاده و سرمایه‌گذاری کنید و حتماً به کتب بزرگان سَلف رجوع نمایید، آن‌ها خیلی زحمت کشیدند.

● خدا را شکر شاید این کار شما، زحمت‌های شما، خدمات شما یک خورده بتواند گرد و غبار غربت و مظلومیت را از چهرهٔ مبارک امام زمان(ع) بزداید اقلاً آقا احساس کند که در مملکت خودش غریب نیست.

قدم‌های زیادی در این راه برداشته شده، اما خداوند در اجتهاد را باز گذاشته. فکر نکنید که حالا آن بزرگان هر چه گفتند همان است. نه تنها درِ اجتهاد در فقه باز است. بلکه درِ تمام علوم عقلی و نقلی باز است. شما بزرگواران می‌توانید از این

سفره که خداوند آن را برای همه گسترده استفاده کنید.

شما حساب کنید این قانونی که آقایان قانون و قاعدهٔ امکان اشرف می‌نامند بزرگان می‌آیند اثبات می‌کنند وجود حضرت بقیّة الله (ع) را از آن طریق، این چه جور پایه‌ای دارد؟ از کجا می‌شود این قانون را آورد؟ حالا ولو آن که ملا صدرا بر این قاعده اشکال کرده و فرموده این تعبیر غلط است و نباید این جور بیان کرد. البته ایشان از نظر جنبه‌های علمی درست می‌گویند. ملا صدرای شیرازی صدرالمتألهین می‌گوید چرا آقایان می‌گویند قانون و قاعدهٔ امکان اشرف در حالی که باید بگویند ممکن اشرف چون اشرفیت از صفات عارضه بر وجود شیء خارجی است نه بر عوارض. خُوب راست می‌گوید، منتهی به قول آقایان، تعبیر، تعبیر عنوانی است؛ یعنی چه ممکنش بخوانیم یا امکان، نظر به«ما هوالممکن فی الخارج» است علی کل حال کاری به آن جهت ندارم. این که آقایان می‌آیند مسألهٔ وجوب وجود حجت بیان کنند همان طور که امام حسن عسکری(ع) می‌فرماید: **«لو بقی فی الارض یوماً»** اگر یک روز بماند **«و لم یکن من الامام»**

اگر نباشد از ما اهلبیت هر آینه زمین اهلش را فرو می برد.

چرا؟ برای چه؟ برای این که این فرمایش امام صادق(ع) است که فرمود:

«الحجةُ قبل الخلق و مع الخلق و بعد الخلق»[5]؛

عجب حجت هم باید قبل ازخلق باشد هم باید با خَلق باشد و هم بعد از خلق. چرا؟ چون واسطهٔ فیض بین حضرت باری تعالی و سایر موجودات که ماها باشیم، وجود مبارک بقیّة الله است.

این تعبیری که در قرآن دارد با همهٔ معناهای گوناگونی که آقایان می‌کنند، به نظر بنده یک معنای بالاتر است، البته ما باز هم ریزه‌خوار سر سفرهٔ آنها هستیم و هر چه داریم از خاندان نبوت و ائمه(ع) داریم. این که خدا می‌فرماید:

﴿بقیّةالله خیرٌ لکم﴾

بعد می‌فرماید:

﴿ان کنتم مؤمنین﴾[6]

ان کنتم مؤمنینش را چه جور معنا می‌کنید؟ ان کنتم مؤمنین یعنی چه؟ **بقیّة الله خیر لکم ان کنتم** یعنی چه؟ یعنی وجود آقا برای غیرمؤمنین خیر نیست. با این که وجود امام زمان(عج) برای همه خیر است برای کل ممکنات . چه حسابی است که حضرت باری تعالی اینجا می‌فرماید:

﴿بقیّة الله خیر لکم ان کنتم مؤمنین﴾.

این را اگر بخواهید بشکافید... البته چندین معنا شده. یکی از معانی‌اش را اشاره می‌کنم آقایان تفسیرها را ببینید ان کنتم مؤمنین چند گونه معنا شده ؛ مهم‌ترین آن درک است یعنی کأنه اگر شما بفهمید که این وجود مبارک است ان کنتم مؤمنین نه قید است برای نفس خیریت زیرا که وجود باری تعالی وجودش خیر مسلم است؛ چه شما قبول بکنید چه نکنید.

همچنین وجود حضرت هم خیر است، ولی فهمش برای ما مهم می‌باشد. در چه صورت من می‌توانم وجود مبارک آقا را خیر ببینم؟ آن موقعی که درک بکنم که وجود آقا چقدر برای من ضرورت دارد. حتی در یک روایت هم حضرت فرمود آقایان، شیعیان

«فاجعلوا لقائمنا سهماً؛»

حضرت فرمود:

«یک سهمی هم برای امام زمان(عج) بگذارید.»

لا اله الا الله چه تعبیری حضرت به کار می‌برد: برای امام زمان(عج) هم سهم بگذارید؛ یعنی بفهمید

که امام زمان چه کسی است. اگر چنین کاری کردید، سهمی قرار دادید. خدا می‌فرماید:

﴿لو عَلِمَ الله مِنْ نیّتِکُمْ ذلک؛
اگر خدا از نیت شما آن را دانست﴾

خدا که می‌داند کنایه از خارجیت شیء است اگر در نیت شما چنین باشد چه بسا خدا عمر شما را طولانی کند که

«جَعلکم الله من اَعْوانِه و اَنصارِه»

این تکلیف ما را روشن کرده که ما چطور می‌توانیم جزء یاران آقا باشیم، مهم است که درک این مطلب را آدم بکند که وجود مبارک آقا برای ما یک وجودی است که دایر مدار هستی ما بوده، حیات ما بوده، وجود حقیقی این عالم مرتبط به حضرت است؛

«بیمنه رزق الوری و بوجوده ثبتت الارض والسماء»[7]

واقعیت وجود من این است: من کسی نیستم، وابستهٔ به وجود حقیقت آقا هستم چرا؟ برای این که او کدخدای عالم طبیعت است به قول حکمای پهلویون ـ آن‌ها این تعبیر را می‌کنند ـ این وجودی که آن را تعبیر می‌کنند، به کدبانو، کدبانو و کدخدای عالم طبیعت یا به قول فلسفهٔ ارسطو که تعبیر می‌کند به عقل فعال، این‌ها هر کدام به لسان خودشان حرف می‌زنند. حکما و عرفا تعبیر می‌کنند به الکلمة القدسیة الالهیة اما تمام این‌ها را بگذارید کنار، به زبان انبیا بگوئیم، به زبان اولیای دین؛ یعنی حجةالله بگویم که حضرت امام هادی(ع) فرمود:

اسم آقا را نبرید.

طرف عرض کرد:

یابن رسول‌الله پس ما چه بگوییم؟

حضرت فرمود:

به این تعبیر او را بخوانید: حجةُ آل محمد صلوات الله علیهم[8]

عنایت داشته باشید چه می‌خواهم بگویم؛ واقعیت این است که این وجود مبارک یک وجودی است که وجود تمام این عالم وابسته به وجود اوست. حالا من نمی‌خواهم العیاذ بالله تعبیر بکنم به چیزی که خدای نخواسته یک جوری برداشت بشود. خوب بعضی‌ها می‌گویند شما آن قدر امام‌ها را بالا می‌برید که کأنه العیاذ بالله ایشان را جای حضرت رُبوبی می‌گذارید. نه ما نمی‌خواهیم این کار را بکنیم؛ چرا که خودشان هم افتخار می‌کنند که بندهٔ خدا هستند، ولی گفتند

«نَزِّلُونا عَنِ الرُبوبیة و قولوا فِینا ما شِئْتُم»[9]

قربانشان بشوم فرمود: از مرحله الوهیت بیایید پایین آن وقت هرچه خواستید بگویید همین هم است، ما که می‌گوییم وجود این عالم، حیات این عالم، قدرت این عالم و مظهر تمام این کمالات در وجود مبارک آقاست بله یکی ازعزیزان داشتند به حرم حضرت معصومه(ع) می‌رفتند که آمد جلو به من فرمود:

فلانی این آیه شریفه که خدا می فرماید:

﴿قل ادعوا الله او ادعوا الرحمن ایّاماً تدعوا فله الاسماء الحسنی﴾[10] خدا را بخوانید به اسماء حسنایش منظور چیست؟

این اسماء الحسنی که می‌گویند مظهرش خود ائمه هستند، ائمه مظهر صفات جمالی حضرت باری تعالی هستند، قدرت می‌خواهید امام زمان را ببینید، کمالات حضرت باری تعالی را می‌خواهید یا صفات جمالی، در وجود مبارک امام است . آنچه بخواهید خدا در اختیار امام قرار داده .

همهٔ ما عقیده مان این است که اگر امام غیر از این باشد ما او را امام نمی‌دانیم. امام قدرت تمام این عالم است. منتهی بنده یک جلسه‌ای داشتم با آقایی که از آفریقا آمده بود به نام ملا اصغر که اخیراً فوت کرده است. خیلی موجه بود در کشور آفریقایی و

نمایندهٔ مراجع در زمان گذشته بود و ایشان آمدند ایران، دیداری داشتند با آقایان و ضمناً به من گفتند: آقا ایشان هم می‌خواهد با شما یک دیداری داشته باشد و سؤالاتی دارد.

گفتم مانعی ندارد یک جلسه‌ای گذاشتند برای بحث من یادم نمی‌رود یکی از سؤالات ایشان همین بود که بفرمایید امام زمان(ع) که می‌گویند در پردهٔ غیبت هست خوب آیا در پردهٔ غیبت بودن بیشتر نفعش به جامعه می‌رسد یا اگر بنا بود محضرش شرفیاب می‌شدیم؟ خوب این چیست که حضرت فرموده من پشت پردهٔ غیبت هستم، وجود من هم پشت پردهٔ غیبت مانند خورشید است پشت ابر؛ حضرت فرمود که همین طور که آفتاب پشت ابر هم بی‌نفع نیست، من هم به همین گونه‌ام بعد ایشان فرمود من مطالعات عمیقی دربارهٔ ولی امر(ع) دارم ایشان ادعا کرد حالا من نمی‌دانم تا چه اندازه این ادعایش درست بود او می‌گفت: من هزار تا کتاب در این باره مطالعه کردم، او می‌گفت با این حال من دربارهٔ غیبت امام زمان(عج) قانع نشدم؛ که حضرت پشت پردهٔ غیبت باشد.

مقایسه کنید با این که در حضور مردم باشد برابر است گفتم:

که چشم! من حالا ان شاءالله یک عرضی محضرتان می کنم و از خدا کمک می خواهم امیدوارم آن پرده و حجاب جهل، دیگر از شما کنار برود و ان شاءالله مسئله برایتان روشن شود.

گفت بفرمایید. گفتم

آشکارا بودن امام سر به امر محال در می آورد.

یک مرتبه ایشان یکّه خورد و گفت چه فرموده‌اید؟گفتم نمی‌شود حضرت ظاهر بشود محال است، امکان ندارد. گفت: چرا حاج آقا؟ گفتم حضرات ائمه معصومین سلام الله علیهم اجمعین آن‌هایی که در جامعه بودند، مشی آنها، حرکتشان در جامعه «**کمشی احد من الناس**» مگر نبود؟ و لذا می گفتند:

﴿**ما لهذا الرسول یأکل الطعام و یمشی فی الاسواق**﴾[11]

مگر آیهٔ قرآن ندارد منافقین و کفار می گفتند این چه پیغمبری است که غذا می‌خورد و راه می‌رود؟ یعنی این عالم تأثیر در ظاهر وجود مبارک آنها می کرد. ضربهٔ شمشیر به وجودش اثر می کرد زهر اثر می کرد، مگر غیر از این است که گفته‌اند حضرت ائمه(ع) وجود رسول الله این‌ها طوری در میان مردم زندگی می‌کردند که هر نوع فعل و انفعالی که می‌خواست برای سایر مردم پیش بیاید برای آن‌ها نیز پیش بیاید. چرا؟ چون ذات اقدس حق ملت را می‌خواست با همین حالت نگهداری کند و بگوید که پیغمبر ملک نیست از خودتان است مثل خودتان راه می‌رود، می‌نشیند، می‌خوابد، همهٔ چیزهای عالم بر او اثر میگذارد.

اگر حضرت بقیّةالله روحی له الفداه تشریف بیاورد و بخواهد آشکارا داخل جمعیت باشد از شما سؤال می‌کنم اگر وجود مبارک آقا که منشأ آثار بسیاری از هر جهت در جامعهٔ ما هست مثلاً او را بزنند بکشند، امثال ذلک بر او اثربکند یا نکند؟ به قول آقایان حصر عقلی است نفی و اثبات است از دو حال خارج نیست یا باید این آلات قتاله بتواند اثری در وجود آقا بکند یا نه؟ دیگر از این دو حال که خارج نیست اگر بنا شود اثر بکند و بخواهد آقا العیاذ بالله از بین برود خوب با آن اصل ما چه می‌شود؟ «**لو لا الحجة لساخت الارض**» این را باید اول قبول کنیم؛ گفت نه من قبول دارم چرا که اگر بخواهیم حضرت نباشد با آن اصل نمی‌سازد؛ چون آخرین حجت ماست گفتم اگر این گونه نباشد مردم کافر می‌شوند؛ «**لکفر الناس جمیعاً**﴾ گفتم همه می‌گویند «**و أنتَ رب**»، چرا که دربارهٔ امیرالمؤمنین یک عده علیّ اللّهی شدند. آقایان

خوب عنایت دارید اگر بنا باشد امام(ع) در متن جامعه باشد به عنوان یک وجود استثنایی و هیچ چیز در وجودش اثر نگذارد این چه انسانی است. این انسان نیست. اصلاً العیاذ بالله مثل این که خدا است، مخصوصاً هم که امام اعجاز و قدرت دارد.

دیگر این که امیرالمؤمنین می‌فرماید:

«چنان چه شما هم در مکتوبتان [فصلنامهٔ انتظار] نوشتید از قول عبدالعظیم حسنی.»

ابی جعفر ثانی می‌گوید

من دارم می‌بینم که «**کانّی بالشیعة یجولون جولان النعم**» می‌آید.

می‌بیند مثل چهار پایانی که دور می‌زنند و دنبال مرتع؛ یعنی چراگاه میگردند «**فَلا یَجِدونه**» ولی چراگاه پیدا نمی‌کنند. حضرت فرمود می‌بینم شیعیان ما آن روز این گونه‌اند.

بعد فرمود آگاه باشید! «**فمن ثبت علی دینه لم یقس قلبه**»

قلبش خسته نشود به طول مدت غیبت

«**و هو معی فی درجتی یوم القیامه**». بعد حضرت در پایانش این جمله را دارد که به حمدالله مستحضرید من فقط بعنوان تذکر می‌گویم حضرت فرمود: برای این که آن آقازاده ـ فرزند من ـ که می‌آیند

«**انّ القائم منّا اذا قام لم یکن لاحد فی عنقه بیعة**»[12]

این عبارت همان معنای بنده را می‌رساند این بیعت یعنی چه؟

●وجود مبارک آقا برای ما یک وجودی است که دایر مدار هستی ما بوده، حیات ما بوده، وجود حقیقی این عالم مرتبط به حضرت است؛ «بیمنه رزق الوری و بوجوده ثبتت الارض والسماء»

داشتند؛ شما فلان جا تسلیم شوید. تسلیم شدن یعنی بیایند در خانه امام صادق بریزند؟ تسلیم یعنی حضرت رضا(ع) را ببرند؟ مالک اشتر به حضرت علی(ع) گفت: «**ما الفَرْق بَینی و بَینَک یا امیرالمؤمنین**» ؛ من و تو چه فرقی با هم داریم؟ «**الا بالواحد**» تو هزار و یک نفر را کشتی، من هزار نفر را حضرت فرمود: بله، تو از دم همه را گردن می‌زنی ولی من به اعقاب نگاه کردم دیدم در طبقهٔ چندم این‌ها بچه شیعه‌ای بخواهد بیاید آن را نزدم. ببینید امام اینجوری به اعقاب نگاه می‌کند. ما باید هم پدر را حفظ کنیم، هم اعقاب را. اگر بنا باشد همه طبقهٔ مردمی کافر بشوند، آن وقت دیگر لَمْ یخلق فی الارض هیچ کس در زمین خلق نمی‌شود همین که حضرت نوح می‌گوید

﴿ ربّ لاتذر علی الارض من الکافرین دیّارا﴾[13]،

واقعاً اینطور می‌شود گفتم این که امام زمان را خدا نگه می‌دارد تا پشت پردهٔ غیبت بماند، بعد از وجود بقیةالله(ع) بحث پایان کار آن حضرت به میان می‌آید و لذا حضرت فرمود. او وقتی بیاید با احدی قراری ندارد. گفتم عزیز من این که خدای عزوجل حضرت را پشت پرده نگه داشت ان شاءالله بیاید در آمدنش کار تمام می‌شود، اما اگر حضرت حالا می‌خواست مثل سایرائمه باشد جامعهٔ ما به هم می‌ریخت ـ خدا ان شاءالله حفظش کند ـ آقا به محضی که این را گفتم ایشان گفت عجب! نکتهٔ خوبی را به من تذکر دادی حاج آقا. جداً بارک الله!

گفتم البته باز گفتم من چیزی بلد نیستم بزرگانی هستند که علم شان بیش از اینهاست. من خیلی

وقت‌تان را گرفتم ان شاءالله باید ببخشید یک خرده زبان ما باز شد و زیاد صحبت کردیم. استدعا و خواهش من از شما عزیزان این است این کارتان را با دل گرمی با علاقهٔ بسیار دنبال کنید و واقعاً زحمت بکشید و معتقد باشید که حضرت غریب و مظلومند.

ان شاء الله با سعی و تلاشتان این غربت را از صورت آقا بزدائید و نگذارید آقا غریب بماند. امیدوارم روز به روز تلاشتان گسترش بیشتر داشته باشد و توفیق بیشتری داشته باشید در پایان بحث به من اجازه بدهید این جمله را به حضرت بگویم؛

یا صاحب العصر امام المنتظر یابن رسّول الله مَنْ بِما یأباه لایَجری القَدَرْ

قدری پیش نمی‌رود اگر حضرت اجازه ندهد.

همین طور «یا امین الله یا شمس الهدی» ای امین حضرت باری تعالی، ای شمس هدایت جامعهٔ بشریت، ای پیشوای مردم ای دریای مرحمت و کرم

«عجّلن عَجّل فقد طال المُدی»

آقاجان زودتر تشریف بیاورید خیلی چشم انتظار وجودتان هستیم.

یابن رسول الله «عجّلن عَجّل فقد طال المُدی واضمحلّ الدین و استولی الضلال»[۱۴]

دیگر چه از دین مانده؟ چیزی نمانده. خدایا به حق محمّد و آل محمّد فرج آقای ما را نزدیک بگردان. خدایا ما که نمی‌توانیم حق آقا را ادا کنیم ولی هر چقدر مقدور است توفیق ادای حق به ما مرحمت بفرما.

خدایا این عزیزانی که در این راه خط مشق گرفتند، توفیق بیش از این به آن‌ها عنایت بفرما. این مملکت و این کشور امام زمانی را از شرّ اجانب مخصوصاً استکبار جهانی حفظ بفرما.

خدایا تو را به حق امام زمان(ع) قَسَمَت می‌دهیم ملت عراق را از چنگال این ابرقدرت‌ها نجات مرحمت فرما. خدایا روحانیت عزیز، عزیزان در جلسه، مقام معظم

●استدعا و خواهش من از شما عزیزان این است این کارتان را با دل گرمی با علاقهٔ بسیار دنبال کنید و واقعاً زحمت بکشید و معتقد باشید که حضرت غریب و مظلومند.

رهبری، مراجع بزرگوار، علمای ما خدایا همه شان را حفظ بفرما. رفتگان، گذشتگان، شهدای عزیز، مرحوم امام، مراجع گذشته، خدمتگزارانی که بودند و رفتند، خدایا همه‌شان را غریق رحمت بفرما.

والسّلام علیکم و رحمة الله و برکاته

پرسش و پاسخ

انتظار: دو تا سؤال از محضر حضرت آیت‌الله العظمی علوی گرگانی داریم: یکی در مورد کسانی که مروجین افراطی ملاقات با حضرت هستند تا چه اندازه به نظر حضرت عالی درست است و ما با این گونه افراد چگونه برخورد کنیم؟ سؤال دیگر در رابطهٔ با کسانی است که معتقدند الان بعضی از علایم ظهور یا خیلی از علائم ظهور ظاهر شده است. شاید الان نگوییم عنقریب، ولی به هر تقدیر حضرت آمادهٔ ظهورند. به ایام ظهور حضرت آنقدری نمانده است. این دوتاتعبیر و این دو تا برداشت به نظرحضرت عالی چه پاسخی دارد و ما در رابطه با این افراد و یا سؤالاتی که هست چه پاسخی بدهیم؟

حضرت آیة الله علوی گرگانی:

عرض می‌شود پاسخ سؤال اولتان این است که خوب آقایان عنایتی دارند که البته در دستور اخبار و

روایات هیچ گونه اشاره‌ای به این مطلب نشده (که یکی از چیزهایی که از خدا بخواهیم و موجب خواسته‌های ما باشد اینکه حتماً حضرت را ملاقات کنیم. نه خب شما ملاحظه می‌فرمایید حتی در داستان‌هایی هم که از بعضی از بزرگان نقل شده مثل قضیهٔ مرحوم شیخ بهایی که با وسایل رَمل می‌خواست حضرت را پیدا کند؛ آخرش آمد تا کاشان و برخورد به شخصی که نشسته بود و مسگر بود آقا امام زمان(عج) تشریف آوردند و نگاه کردند. شیخ بهایی آمد بالای سر حضرت ایستاد تا موقع نماز شد. بنده خدا گفت: می‌خواهم بروم نماز و اگر می‌فرمایید تشریف بیاورید منزل. آقا فرمود: نه بفرمایید، ما می‌رویم. حضرت راه افتاد که برود. شیخ بهایی (ره) پشت سر آقا با کمال ادب ایستاد.

آقا رویش را بر گرداند و به شیخ فرمود یا شیخ کاری بکن تا ما بیاییم سراغ تو نه تو بیایی سراغ ما.

خوب این چه چیز را می‌رساند؟ این فرمایش آقا این نکته را می‌رساند که ما دستور این کار را نداریم که پا بشویم هر طور که شد آقا را ملاقات کنیم. گاهی بعضی عزیزان می‌آیند به من می‌گویند که چگونه می‌شود با امام ملاقات کرد؟

به آن‌ها می‌گویم: شما بروید دنبال آن چیز که دستور دارید البته ما انکار نمی‌کنیم که بعضی از شخصیت‌ها حضرت را دیدند. مسئله این نیست همان گونه که از سید بحرالعلوم(ره) هم وقتی سؤال کردند آقا ما شنیدیم شما آقا امام زمان را دیدید، در حالی که شما مأمور به تکذیب اید گفتند: اگر بنده هم گفتم بله، بگویید نه این واقعیت ندارد. پس بنابراین قضیه (حرف زدن از دیدن امام زمان«عج») ـ همین طوری که جنابعالی اشاره فرمودید ـ تالی فاسد دارد.

بعضی‌ها می‌گویند بله دیشب من آقا امام زمان(عج) را دیدم و حضرت چنین و چنان بود. با این مسایل دیگران بازیچه می‌شوند. پس ما به این‌ها نباید زیاد اهمیت بدهیم. البته نباید جوری برخورد کنیم که رسماً اصل قضیه برود زیر سؤال.

اما راجع به قضیهٔ آمدن و علایم و ...، خب البته عنایت دارید علائم که همیشه بوده و هست و مسلماً باز هم هست. و این‌ها را ائمه فرمودند برای این که ما را بیشتر به انتظار فرج بگذارند، که ما بیشتر انتظار مبارک آقا را داشته باشیم. این یک واقعیت، اما این که حالا بیاییم بگوییم مثلاً الان آقا پشت دروازهٔ قم هست و بنااست تشریف بیاورد. این حرف‌ها نیست؛ چرا که آن دیگر به دست مبارک خودش هست ایشان می‌فرماید «از خدا بخواهید که زودتر فرج نزدیک بشود» خب البته این علایم هم همه را نمی‌شود انکار کرد بعضی هایش علایم محتومه هست، ولی ما دستور داریم تا همین اندازه بحث کنیم و از این بیشتر لزوم ندارد.

انتظار: این تعبیر که برخی می‌گویند ظهور نزدیک است آیا درست است یا نه؟

حضرت آیت‌الله علوی گرگانی:

عرض کردم از نظر نسبت بله؛ نسبت به گذشته بله نزدیک‌تر شده، اما این به معنایی نیست که آنها منظورشان این است که می‌خواهند بگویند همین الان حضرت می‌آید. نه این درست نیست.

البته، مسلماً ماها به ظهور حضرت نزدیکتریم تا آنهایی که در گذشته زندگی می‌کردند. نظرم این

● اگر می‌خواستند می‌گفتند: «مَنْ زَارَ...» و اگر اینگونه می‌گفتند باور کنید که امروز همه می‌گفتند ما امام زمان را دیدیم.

است که ما بیشتر باید خودمان را آماده کنیم برای این که حضرت ما را بپذیرد. خداوند توفیق بدهد.

انتظار: حضرت عالی فرمودید برخی از بزرگواران مثل شیخ بهایی معتقدند به این که ما به هیچ عنوان امر نشدیم بر درخواست دیدار و ملاقات با امام زمان (عج)، اما کسانی که مخالف این دیدگاه هستند می فرمایند ما روایات و ادعیه‌ای داریم مثلاً دعای عهد اللهم ارنا الطلعة الرشیدة بیان می دارد که این امر مستحبی است ولی افراطش غلط، ولی آیا طلب دیدار نمودن اشکال دارد یا نه؟

حضرت آیت الله علوی گرگانی:

ابتدا باید عرض کنم که «**اللهم ارنا الطلعة الرشیدة**» یعنی چه؟ این چه جور معنا می شود؟

ببینید از خواسته فرج صحبت کرده یعنی خدایا آقا را به من نشان بده؛ یعنی چه؟ یعنی حضرت را ظاهرش کن، فرج را نزدیک کن، این قبول. دیدن امام صد در صد ثواب دارد اما خودت را بساز تا امام تو را ببیند ما به این مأموریت داریم اگر از کسی سؤال کنیم حاج آقا خودم را جوری بسازم که امام را ببینم بد است؟ نه افتخار می‌کنیم.

شاید علت این که نفرمودند این است که دیدند تالی فاسد دارد نه این که ذاتاً بد باشد؛ یعنی این که اگر طرف واقعاً بتواند خودش را بسازد و محضر مبارک آقا برسد، ما قبولش هم داریم، دستش را هم می‌بوسیم. نمی‌خواهم این را انکار کنم، اما صحبت در این است که اگر می‌خواستند می‌گفتند: «**مَنْ زَارَ...**» و اگر اینگونه می‌گفتند باور کنید که امروز همه می‌گفتند ما امام زمان(عج) را دیدیم. این که من می‌گویم یک حکمتش این است که این همه روایت راجع به ائمه داریم شما یک روایت پیدا کنید راجع به امام زمان. من خودم گشتم یک دانه پیدا نکردم که به همین صورت تعبیر کرده باشد که طلب کنید زیارت آقا را در این دعاها هست که خدایا فرج را نزدیک کن، آقا را به ما نشان بده، اما این‌ها یک معنای دیگر دارند. اینجور نیست معنایش که من آقا را با چشمم ببینم، من بروم محضر آقا شرفیاب بشوم و برگردم و بیایم، این نیست.

البته نمی‌خواهم خدای نخواسته رؤیت افراد بزرگوار را انکار کنم. الان هم بنده کسانی را سراغ دارم که چه بسا با حضرت ارتباط دارند و دستور از آقا می‌گیرند صد در صد بدانید اگر در این مملکت ارتباطی با حضرت(ع) نباشد نمی‌شود این مملکت را اداره کرد. پس حتماً ارتباط هست منتهی لازم نیست که بنده پا بشوم بروم آن جا محضر آقا مثلاً و بگویم آقا سلام علیکم بنده چه ... نه، حضرت ارتباط واقعی با ما برقرار می‌کند؛ یعنی بنده متوسل می‌شوم، حضرت نشان می‌دهد واقعه را. دیگر مگر ما چی می‌خواهیم؟ این است که به نظر من فرمایشتان درست است. ما نمی‌گوییم زیارت امام بد است، اما خودتان را اصلاح کنید که حضرت به دیدارتان بیاید. این خوب است.

انتظار: به هر حال دیدار امام مطلوب که هست؟

حضرت آیت‌الله علوی گرگانی:

با این بیانی که من کردم می‌خواهم بگویم علت این که نگفتند چرا؟ چون دیدند از این جهت شاید مطرح کردن این هم تبعات دارد. این که بگوییم آقایان حتماً بروید امام زمان را ببینید، درست نیست. بهتر است بگوییم آقایان خودتان را جوری بسازید که لیاقت درک محضرش را داشته باشید اشکالی ندارد. بنده هم در منبرم برای مردم می‌گویم، جوری خودتان را بسازید که لیاقت درک محضرش را داشته باشید این اشکال ندارد.

متوجه باشید که هر کسی را خدا یک جور بهشت می‌برد فرق نمی‌کند. مهم این است که انسان در خدمت خدا باشد و برای خدا زندگی کند.

گاهی یک عملی به قدری ارزش دارد که خدا در

مقابل آن، همهٔ هشت درب بهشت را به او [صاحب عمل] می‌دهد.

انتظار: اینکه می‌گویند جهت دیدار آقا چهل شب چهارشنبه مثلاً به مسجد سهله بروید؟ نظر شما در این باره چیست؟

حضرت آیت‌الله علوی گرگانی:

من که خدمتتان عرض کردم؛ نمی‌خواهم بگویم خدای نخواسته بد است من می‌خواهم بگویم ما دستوری در این رابطه نداریم البته ممکن است بنده خودم این کار را کرده باشم، اما بنده نمی‌آیم بگویم آقایان من چنین کاری کردم. نخیر شما این کار را بکنید چه اشکالی دارد، آدم اگر کاری بکند که حضرت را ببیند افتخار است، ولی اگر بخواهیم این را زیاد بازگو کنیم و مردم را بیندازیم در آن وادی که جور دیگر برداشت کنند خطر دارد.

یکی از بزرگان می‌گفت: خدمت یک آقایی رسیدم که پیش از انقلاب بهایی شده بود. گفتم چرا بهایی شدی؟ گفت: به ما گفتند که اگر اینقدر بروید جمکران آقا را می‌بینید ما رفتیم، دیدیم خبری نیست. گفتند این کار را بکن آقا را می‌بینی باز هم کردیم خبری نشد. پس فهمیدیم اصل مسئله دروغ است ما کلی با ایشان صحبت کردیم تا ایشان را برگرداندیم.

پی نوشت ها:

۱. قصص، ۵۱.
۲. بحارالانوار، ج ۹۰، ص ۲۸۲.
۳. قصص، ۵۱.
۴. کافی، ج ۱، ص ۱۷۹.
۵. کافی، ج ۱، ص ۱۷۷.
۶. هود، ۸۶.
۷. مفاتیح الجنان، دعای عدیلة.
۸. سفینةالبحار، ج ۲، ماده هدی.
۹. کتاب مقام ولایت شرح زیارت جامعه، ص ۲۸۹.
۱۰. اسراء، ۱۱۰.
۱۱. فرقان (۲۵)، ۷.
۱۲. سفینةالبحار، ج ۲، مادهٔ هدی.
۱۳. نوح، ۲۶.
۱۴. سفینةالبحار، ج ۲، مادهٔ هدی.

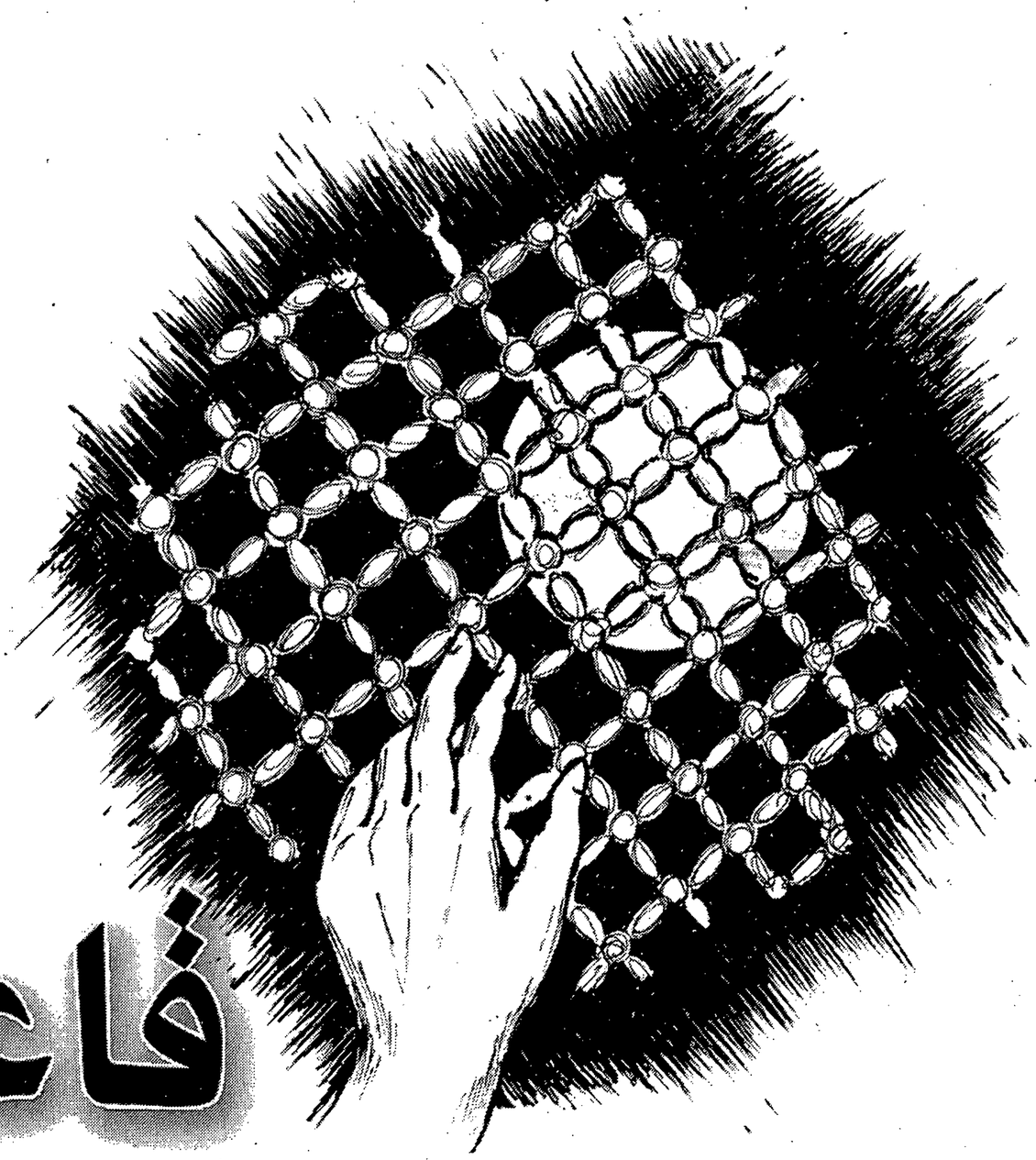

قاعدهٔ لطف (۲)

آیت الله خرازی / ترجمه: بهروز محمدی

هدف از این نوشتار، اثبات لزوم وجود امام از باب قاعدهٔ لطف است. از این رو، نویسنده لازم دانست که در آغاز، لزوم این قاعده را از راه عقل و نقل ثابت کند.

در بخش نخست از مقاله ـ که در شمارهٔ قبل چاپ شد ـ به ادلّهٔ عقلیّ قاعدهٔ لطف پرداخته شد و در این شماره، ادلّهٔ نقلی قاعدهٔ لطف بررسی می‌شود.

در ادامه، نویسنده، موارد و مصادیق قاعدهٔ لطف را بر می‌شمارد و می‌گوید، «امامت»، مصداق بارز آن است. در پایان مقاله، سخن از سؤالات می‌شود که در مورد این قاعده مطرح شده است.